GIFT

کتاب در طب

ACC No. 3154
Date 24.8.06

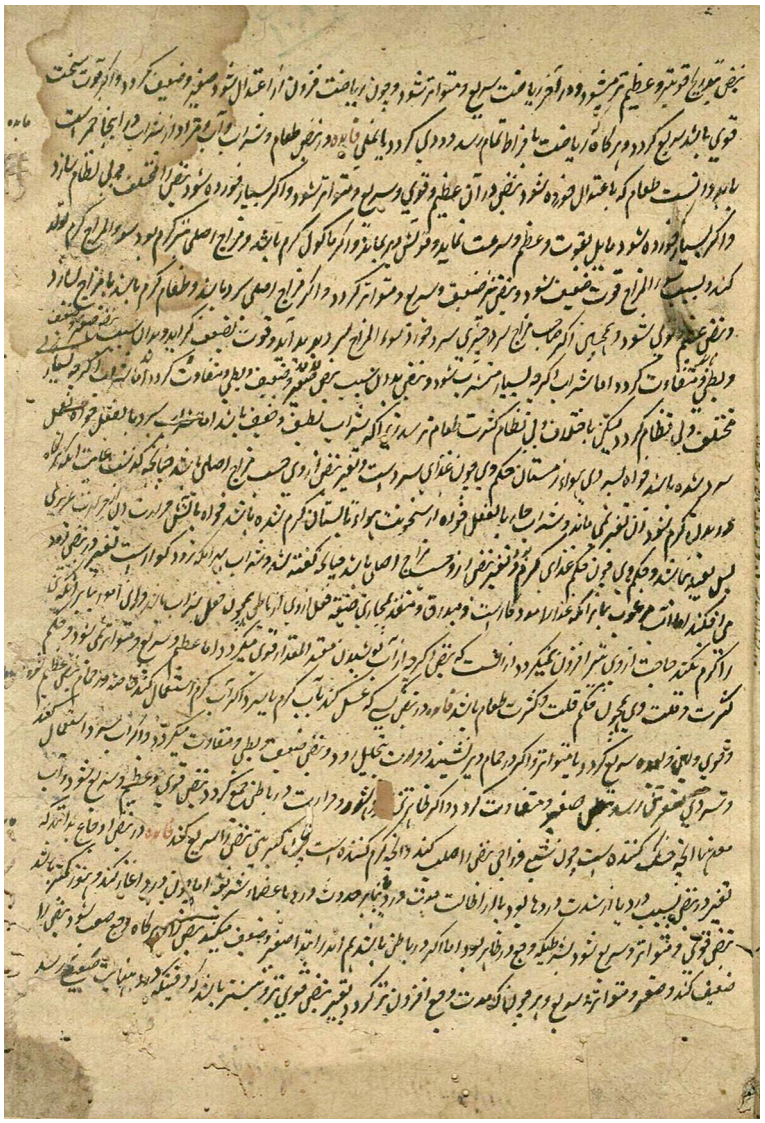

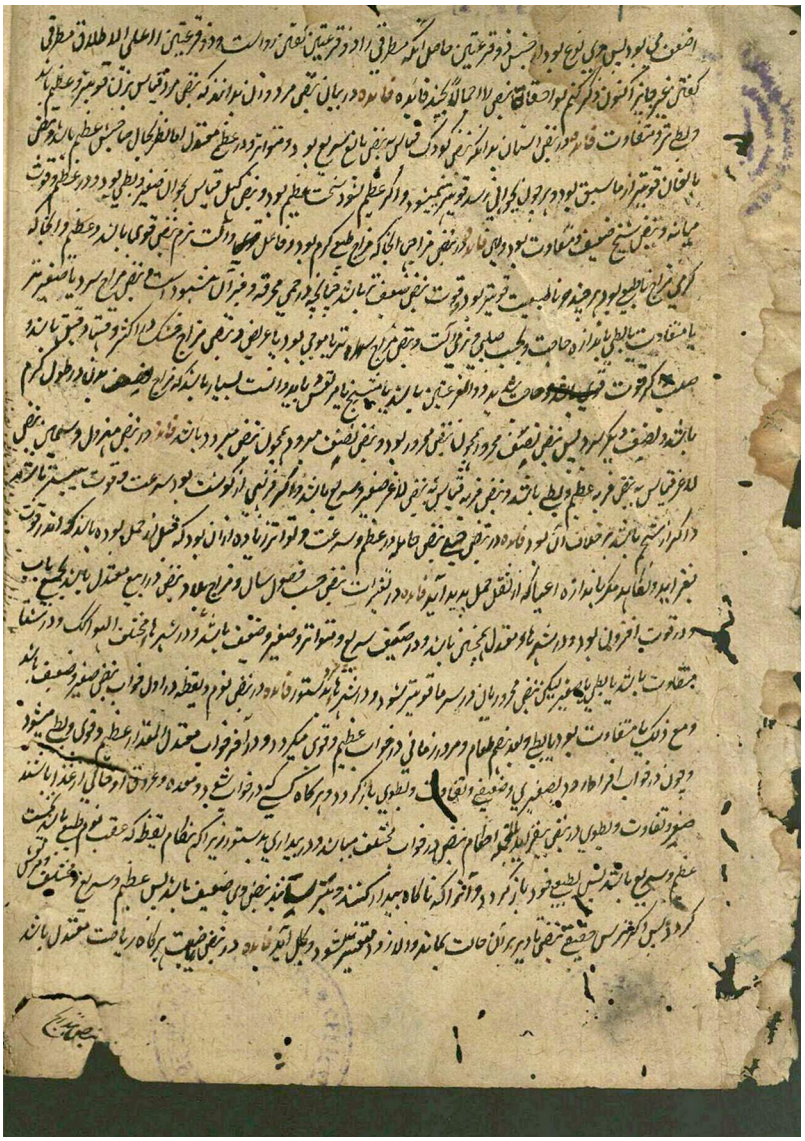

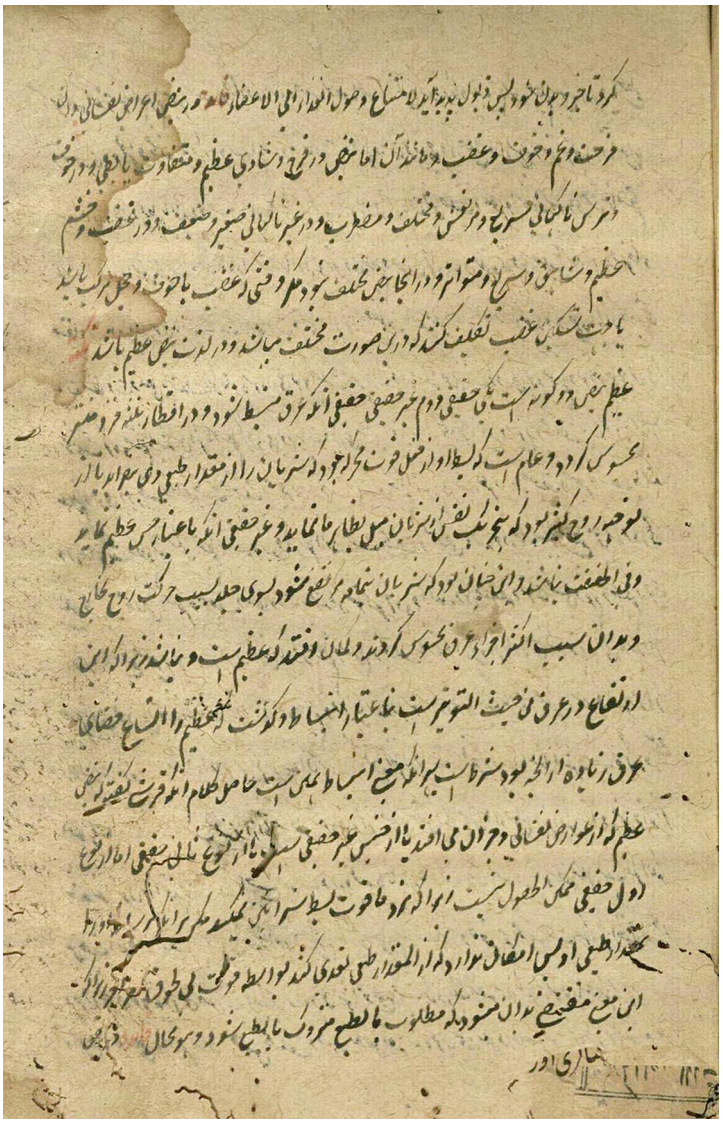

وقوت ساقط کند نبض تفاوتی کرده و در نبض اورام و تغیر ورم نبض بسیار دو گونه بحث یکی آنکه ورم شریان تمام بدن را متغیر سازد و دانی ورم از آنکه حال جمیع
نباشد یا آنکه ورم حار عظیم بود یا در عضو شریف باشد و حی احداث کند یا آنکه عظیم بود نه در عضو شریف اما بانیه بود الوجع باشد که از این سه وجه
نبض تمام بدن متغیر گردد دوم آنکه ورم متغیر نکند مگر بعضی عضو متورم و او این ورم سخت عظیم باشد و از اعضاء شریف دور بود و سبب یا در اول وضع تولید
باشد و اینجا ورم در عضو متورم هم آن زمان متغیر نبض گردد که شریان متصل باشد و السبب این شریان مجاوره سرایت کند به اگر ورم بطرفی نبود
در شریان را از روی گرفتگی نرسد شریان آن عضو متورم هم بحال خود میماند و تغیر در آن راه نمی یابد از آنست که تغیر نبض از ورم بحکومه است
یکی آنکه در هر نوعی از انواع ورم تغیر حال دیگر بود دوم آنکه در مدت ورم هر وقتی نشان دیگر باشد سیوم آنکه با عتبار مقدار ورم نشان دیگر باشد و ورم
آنکه حس عضو متورم اطلاعات مختلف باشد چهارم آنکه بسبب طبع و حس اعضاء متورمه نا متغیر بود و جایگه گفته متورم اما تغیر کند حسب انواع ورم بود
چنان باشد اگر ورم حار بود نبض مشارکی و مزاحمتی و سریع و متواتر باشد و چون صلب گردد و مشارکیت ظاهر شود و اگر ورم این بود نبض صعب مقهور
اگر بارد بود نبض متعاوت و بطی باشد و رگ چون بیضه گردد و نبض از مشارکیت متکرد و متواتی نبود و اختلاف در آن ظاهر آید و بسیار باشد که سرعت
و تواتر تکرر دست کمون حرارت اما تغیر در مدت چنان باشد که در ابتداء ورم نبض عظیم قوی و متواتر و سریع و متسوا تر باشد چنانکه در ابتداء اوجاع
و در اینجا نیز آلام و اوجاع ظاهری مقصود است و در وقت تزاید ورم عظیم و قوت و سرعت و تواتر و صلابت و ارتفاع بیفزاید و چون ورم
بنهایت رسد صلابت و ارتفاع قوی تر گردد و سرعت و تواتر قوی تر شود و چون رگ بمکان موت ورم در آرزو شود و ورم سخت گردد نبض صعب و فسیح
و سریع و ضعیف و متواتر نشود و پس اگر در این مدت فزون تر گردد سرعت زایل نشود و نبض گردد و چون رگ بمکان بد و علت بانفصال
رفتد نبض قوی تر شود و بنابر استرخاء قوت اما تغیر که معتدل ورم بود و خیال نباشد که اگر اساس عظیم باشد اعراض شریف بتمامه فرو نشیند و اگر
کوچک باشد اعراض اگر نباشد اما تغیر حسب عضو خیال نباشد که اگر ورم در عضو عصابی بود و چون متورده و رو ده قولنج و مثانه و مشابه آن باشد بسیار
بود شیوه است و در این نبض صغیر و مشارکی تر باشد اگر ورم در عضو بود که آورده و شد اعراض در این بسیار باشند نبض عظیم و مختلف باشد
و اگر اندر عضو شریف باشد بسیار اگر تو نبض چون مکرر عظیم و اختلاف چندان نباشد اما تغیر حسب طبیعت و حس عضو خیال نباشد که اگر ورم در رحم
یا در معده بود نبض صغیر باشد و اضاحت نبض [illegible] طبیعت [illegible] معده عصابی است و بدین سبب هر دو حساس تر آنند و از زود
بستر رگهای می یابند و اگر ورم در ریه باشد نبض مجنون نبض صاحب خناق باشد زیرا که همچنانکه در خناق وصول هوا لغلت متعسر متعذر
و ورم ریه نیز متعسر گردد و اگر ورم در حنجره بود نبض مجنون نبض صاحب ذبحول باشد زیرا که چون حنجره ورم کند کیموس را غذا تواند